

بسم الله الرحمن الرحيم

قرارگاه فرهنگی یا فرهنگ قرارگاهی؟ نویسنده: عبدالله مجدمی

این روزها بر سر اصطلاح «قرارگاه فرهنگی»، تعریف، نحوه ی شکل گیری و روش مدیریتی آن بحث فراوانی میان نخبگان شهرک طالقانی وجود دارد. بی شک اصل تحقق این مساله فارغ از موارد سابق الذکر بسیار مهم و لازم است چرا که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بسیار بر آن تاکید نموده اند؛ اما نکته ی بسیار مهم این است که آیا تحقق «قرارگاه فرهنگی» بدون «فرهنگ قرارگاهی فعالیت نمودن» امکان دارد؟ و اساسا کدام یک از این دو مساله مقدم بر دیگری است؟

هر پدیده ی اجتماعی و سیاسی جدیدی نیازمند بستر فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خاصی است که بدون آن بستر ویژه، تحقق آن پدیده محال یا ضعیف خواهد بوده و چه بسا در آینده ی نه چندان دور آن پدیده، با مشکلات عدیده ای روبرو شده و شکست بخورد. به عنوان مثال ظهور ابزار آلات تکنولوژی روز همچون رایانه، تلفن همراه، ماشین، تلویزیون، رادیو و غیره در جامعه نیاز به فرهنگ مصرف و روش بهره گیری خاص آنها دارد که بدون لحاظ و آشنایی با آن فرهنگ خاص چه بسا ضرر بهره گیری از آنها بیشتر از نفعشان باشد و حداقل اینکه به موازات حصول نفعی جدید از آنها، مواجه با ضرری جدید هم خواهیم بود یعنی آن وسیله ی جدید در این صورت نه تنها مشکلی حل نمی کند بلکه چه بسا مشکلی هم ایجاد نماید.

به نظر ما «قرارگاه فرهنگی» به منزله ی یک پدیده ی جدید اجتماعی در شهرک، مستثنای از این قاعده نیست از این رو باید در تشکیل آن بسیار حساسیت به خرج داد تا به آفت دچار نشود. همانگونه که گفته شد بحث بر لزوم تشکیل این قرارگاه نیست که به نظر ما اصل تشکیل آن امری بسیار لازم است بلکه سخن در نحوه ی شکل گیری و روش مدیریتی آن است.

«قرارگاه» اصطلاحی نظامی است که به معنای «ستاد فرماندهی» است و تا زمانی که عموم فعالین فرهنگی با عمق این واژه و نحوه ی فرماندهی در قرارگاه و نقش و جایگاه آنها در این قرارگاه

واقف نباشند تعامل متناسب میان آنها شکل نخواهد گرفت. به نظر ما قبل از هر چیز باید نخبگان فرهنگی به اهمیت این مساله و در ادامه جایگاهشان در آن و سپس به نحوه ی مدیریت بر اساس این پدیده ی جدید آشنا گردند و گرنه یا کار کند پیش می رود یا با شکست مواجه خواهد شد. بنابراین «فرهنگ قرارگاهی» از جهاتی مهمتر و مقدمتر بر «قرارگاه فرهنگی» است.

در ادامه ما به تعریف اصطلاح «قرارگاه فرهنگی» و بیان «اهداف آن» و ذکر «روش مدیریتی» در آن می پردازیم، باشد که توانسته باشیم قدم کوچکی در راستای تحقق این هدف مهم مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برداشته باشیم.

تعریف قرارگاه فرهنگی

اصطلاح «قرارگاه فرهنگی» را اولین بار رهبر معظم انقلاب به کار برده اند. ایشان در این باره می فرماید:

«تعبیر «قرارگاه» ممکن است به بعضی گوشها سنگین بیاید. قرارگاه یک اصطلاح جنگی است، اصطلاح نظامی است و بگویند آقا قرارگاه مال مسائل نظامی است، شما در مسائل فرهنگی هم فکر نظامی را رها نمی کنید؟ واقع قضیه این است؛ کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهمتر نباشد و اگر خطرناکتر نباشد کمتر نیست. اینجا واقعا یک میدان کارزار است».

ایشان در جای دیگر با اشاره به نقش تاثیر گذار امامت جمعه در مسائل فرهنگی، شخص امام جمعه را فرمانده ی این قرارگاه معرفی کرده و اینگونه بیان می نمایند:

«نماز جمعه یک قرارگاه است، قرارگاه ایمان، قرارگاه تقوا، قرارگاه بصیرت، قرارگاه اخلاق، با این چشم به نماز جمعه نگاه کنیم. شما هم فرمانده قرارگاهید؛ قرارگاههای میدان جنگ نرم هر کدام فرماندهی دارند؛ فرمانده قرارگاه امامت جمعه، شخص امام جمعه است».(۱۳۹۴/۱۰/۱۴).

بر اساس ابلاغیه ی «تشکیل قرارگاه فرهنگی»، «قرارگاه فرهنگی» اینگونه توصیف شده است:

«با وجود فعالیتهای فرهنگی متعدد و مختلف در جامعه از سوی گروههای مختلف مردم و ارگانها و نهادهای دولتی، آنچه ضرورت آن احساس می شود، همسو شدن این فعالیتها می باشد. با توجه به تهدیدات و تهاجم فرهنگی دشمن بوسیله جنگ نرم بهترین راه برای همسو شدن، تشکیل قرارگاه فرهنگی و قرارگاهی عمل کردن می باشد».

بنابراین در یک سخن می توان «قرارگاه فرهنگی» را اینگونه تعریف نمود:

«قرارگاه فرهنگی، تشکیلاتی فرهنگی است که با فرماندهی امام جمعه، به هدف همسو نمودن همگی فعالیتهای فرهنگی شهرک از طریق توانمند سازی آنها بر اساس تعامل سازنده و حفظ استقلال آنها شکل گرفته است».

اهداف قرارگاه فرهنگی

گرچه قرارگاه فرهنگی تشکیلاتی به موازات سایر تشکیلات فرهنگی مثل سازمان بسیج، سازمان ارشاد و غیره نیست اما به عنوان یک تشکیلات فوقانی باید برخوردار از اهداف خاصی بوده باشد زیرا تشکیلات بدون هدف و برنامه محکوم به شکست و زوال است و به همین جهت است که مقام معظم رهبری در این باره فرموده است:

«اگر تشکیلاتی به وجود آمد اما هدف روشنی نداشت یا هدف داشت و لیکن برنامه ریزی برای رفتن به سمت آن هدف انجام نگرفت و تشکیلات بیکار ماند به خودی خود تشکیلات از هم خواهد پاشید و اگر هم بماند صورت بی جانی خواهد بود. خاصیت تشکیلات انسانی این است. هدف را محدود کنید و مشخص نمایید که میخواهید چه کار کنید».(۱۳۶۸/۹/۷).

بر این اساس این تشکیلات فوقانی نیاز مبرم به هدف دارد که به شکر الهی این هدف به وضوح در ابلاغیه سابق الذکر آمده است و آن عبارتست از: «هماهنگی و هم افزایی مراکز فرهنگی شهرک زیر چتر قرارگاه فرهنگی بر اساس تعامل سازنده با حفظ استقلال آنهاست» و طبیعتاً این امری بسیار میمون و مبارک خواهد بود.

در این ابلاغیه اهداف دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفته است که اهم این اهداف به شرح ذیل بیان شده است:

۱. همسو شدن جریانهای مختلف فرهنگی.

۲. شناسایی توان و ظرفیت نیروهای فرهنگی.

۳. ساماندهی و برنامه ریزی با هدف انجام کار دسته جمعی.

۴. شناسایی اولویتهای برنامه های فرهنگی.

۵. رصد فعالیتهای دشمن در تهاجم فرهنگی و جنگ نرم و ارائه راهکار جهت مقابله با آن.

۶. تحرک و نشاط بخشی به فعالیتهای فرهنگی.

روش مدیریتی قرارگاه فرهنگی

همانگونه که در بخش قبل گفته شد و در ابلاغیه تشکیل قرارگاه فرهنگی نیز به روشنی مندرج بود، روش مدیریتی در این قرارگاه باید بر اساس تعامل سازنده با مراکز فرهنگی موجود و در راستای توانمند سازی آنها و حفظ احترام متقابل بدون دخالت در برنامه های جزئی آنها باشد زیرا قرار نیست «قرارگاه فرهنگی» تشکیلات جدیدی همانند سازمان بسیج، سازمان تبلیغات، سازمان ارشاد و سازمان اوقاف و امور خیریه و به موازات آنها شکل بگیرد که این قطعاً مد نظر مقام معظم رهبری نیست زیرا در این صورت تنها باری بر بارهای فرهنگی شهرک اضافه شده و نتیجه آن چیزی جز پیچیده تر شدن بروکراسی اداری کار فرهنگی و له شدن نیروهای فرهنگی زیر چم و خم سیکل اداری نخواهد بود.

مقام معظم رهبری در این باره به روشنی فرموده اند:

«بعضی از دوستان اینجا گفتند: سازوکارهای کنونی دستگاههای علمی و فرهنگی کشور جوابگوی نیاز کشور نیست. من به تجربه میخواهم عرض بکنم افزایش تشکیلات کمکی به حل مشکلات نمی کند. ما یک تشکیلات دیگر درست کنیم... این تراکم منظمه های گوناگون و تشکلهای گوناگون دولتی و اداری برای رسیدن به این اهداف حقیقتاً کارساز نیست. همین تشکلهای موجود، سازمانهای موجود را باید کارآمد کرد.» (۱۳۸۸/۶/۸).

بنابراین حفظ استقلال مراکز فرهنگی به معنای واقعی کلمه اعم از اساسنامه، چارت اداری، برنامه و چشم انداز فرهنگی آنها از ضروریات قرارگاه فرهنگی خواهد بود؛ همچنانکه باید از حضور اهل فن و متخصصین کار فرهنگی در قرارگاه بهره ی کافی برده شود که بدون حضور فعال و موثر آنها کار پیش نخواهد رفت.

چند پیشنهاد مهم

۱. با توجه به اینکه ابلاغیه ی مذکور مبنی بر تشکیل «قرارگاه فرهنگی» تنها ناظر به اصل لزوم تشکیل آن است و هیچ چارت (نظام نامه) خاصی در این باره در ابلاغیه ارائه نشده است تا زمینه ی تشکیل قرارگاه فرهنگی بر اساس ظرفیتهای بومی شهر مهیا شود، پیشنهاد ما این است که با شناسایی نخبگان فرهنگی و افراد موثر در عرصه ی فرهنگ شهرک و در میان گذاشتن این طرح با آنها، بعد از آسیب شناسی کار فرهنگی در سطح شهرک (که مقدم بر هر نوع کار فرهنگی است) با هماهنگی آنها به تدوین چارت قرارگاه اقدام شود تا هم مجریان طرح در جریان نحوه ی شکل گیری این طرح قرار بگیرند و همه زمینه ی حضور مردمی این طرح بهتر فراهم شود.

۲. با لحاظ سنتی بودن غالب ساختارهای فرهنگی شهرک و با توجه به بافت عشایری زندگی مردم ما، بهتر این است که شرکت در این طرح به اختیار مراکز فرهنگی نهاده شود و هیچ گونه اجباری در این زمینه اعمال نشود.

۳. پیشنهاد می شود که برای موفقیت بیشتر این طرح، ضمانت اجرایی آن تامین شود چون مشکل خیلی از طرحها عدم ضمانت اجرایی است. بهتر است با ارائه ی مشوقهای مناسب، دلسوزان عرصه ی فرهنگی شهرک را راغب به شرکت در این طرح نمود و این مایه ی ضمانت اجرایی قرارگاه فرهنگی خواهد شد.

۴. با توجه به اینکه از موانع مهم اجرای طرحهای وسیع و ابتکاری، عدم تربیت کادر مناسب و نیروی انسانی توجیه شده نسبت به اصل آن طرح است، پیشنهاد ما این است که با شناسایی افراد کارآمد

قبل از ورود عملیاتی به میدان کار ذیل عنوان «قرارگاه فرهنگی»، ابتدا آموزشهای لازم در باب نحوه اجرای این طرح و همچنین برخی از اهم اصول مدیریتی به آنها داده شود.